

## زن و مکان

مریم نصر اصفهانی

برگرفته از <http://www.critic.ir/index.php/archives/134>

الف- بعد از ظهر چند روز پیش با یکی از دوستانم از روی پل هوایی نزدیک دانشگاه تربیت مدرس عبور میکردیم. گرم گفتگو بودیم و حواسمان به اطراف نبود. خیلی سریع اتفاق افتاد. پسری که از روبروی ما می‌آمد با یک حرکت ناگهانی به دوستم نزدیک شد و دستش را از زیر چادر او داخل بقیه پالتو اش فرو کرد و چیزی در گوشش گفت. دوست من وحشت زده خودش را عقب کشید. محکم به هم برخورد کردیم و هر دو افتادیم. پسر قدم هایش را سریعتر کرد. به سرعت از ما فاصله گرفت. .. دیدم که کیف و کتاب به دستش بود. هیچ کس جز ما روی پل نبود. تنها فرصت کردم چند بار با تمام نیرو فریاد بزنم: حیوون... حیوون... حیووووون... کمک کردم دوستم از زمین بلند شود. چادر خاکی اش را تکاندم... نگاه کردم به چهره اش که مثل گچ سفید شده بود و به چانه اش که میلرزید. تا زمانی که از هم جدا شدیم یک کلمه هم حرف نزد... میدیدم چطور سرش را بالا نگاه میدارد و چشمهایش را گشاد میکند تا اشکهایش سرازیر نشود... از آن روز هرچه فکر میکنم یادم نمی‌آید قبل از این حمله وحشیانه راجع به چه موضوع مزخرف فلسفی بحث میکردیم که اینقدر حواسمان را پرت کرده بود



در مملکت ما و شاید در بسیاری از جاها نسبت غریب - تری میان زن و مکان برقرار است. مکان های شلوغ از نمایشگاه کتاب گرفته تا اماکن زیارتی و مکان های خلوت از روبروی دانشگاه گرفته تا کوچه ها و خیابان های کم/پر تردد بالا/ پایین شهر میتواند جاهای نا امنی برای زنان باشد... تاکسی ها و اتوبوس ها هم که جای خود دارند... مدتی پیش یکی از دوستان تعریف میکرد که پیش مدیر شرکت مسافرتی رویال سفر ایرانیان رفته و نسبت به مزاحمت های مسافران مرد در اتوبوس اعتراض کرده است؛ در مقابل مدیر شرکت رویال سفر ایرانیان هم پوزخند زده و گفته که متأسفانه کاری از ما ساخته نیست، می فهمم چه میگوئید قبلاً هم خانمهایی در این ارتباط مراجعه کرده اند... ولی ما اجازه برخورد یا پیاده کردن مسافر را نداریم ... متأسفانه فقر فرهنگی است دیگر

نمیدانم دقت کرده اید یا نه ولی در تاکسی ها حتی اگر همسفرتان یا حتی راننده مزاحمتی برایتان ایجاد نکنند باز مسافران مرد جوری روی صندلی مینشینند که انگار روی میل راحتی منزلشان نشسته اند. این مسافر خانم است که مدام باید خودش را جمع و جمع تر کند و آرزو کند زودتر به مقصد برسد، چی؟ تذکر بدهد؟ ... پاسخی محترمانه تر از

آنچه مدیر شرکت **رویال سفر ایرانیان** گفته است دریافت نخواهید کرد. اضافه کنید مزاحمین خیابان ها، پارکها، سینماها و صفهای طولی که در برخی ادارات یا بانکها ممکن است گرفتارش شوید و در هیچ یک شما (زن) در امان نیستید، اگر اتفاقی بیفتد، دشوار بتوانید چیزی را ثابت کنید و اگر هم بتوانید چون امری مربوط به فقر فرهنگی است کاری از کسی ساخته نیست.

ادامه نمیدهم چون اغلب خوانندگان زن تجربه های اینچنینی داشته اند، آنچه میخوامم بگویم این است که به نظر می رسد به زنان به چشم متجاوزان به فضای عمومی نگریسته شده است: مکان های عمومی اساساً متعلق به مردان است، هرچور بخواهند آن را سامان می دهند و هرچور بخواهند در آن رفتار میکنند، دوست داشته باشند لطف میکنند فرهنگشان را بالا می برند و دوست نداشته باشند همینطور فقیر می مانند. در واقع مکان های عمومی جاهایی هستند که زن ها حق نداشته اند آنجا باشند چراکه به قول آن استاد بزرگوار زن اگر زن است جایش در خانه است

ب- تا پشت دیوارهای خانه عقب نشینی میکنیم، حال آیا خانه جای امن، آزاد و راحتی برای زن است؟ همه میدانیم که خانه ها هم جای امنی برای زنان و دختران نیست. بدون در دست داشتن آمار های دقیق از خشونت های خانگی و زنی با محارم در ایران، و تنها برپایه اخبار و شنیده ها از متخصصین و مطلعین هم میتوان گفت که خانه ها چندان هم امن نیستند، متأسفانه هنوز هم تعداد زیادی از پدران، برادران و شوهران ایرانی اعم از بیسواد و تحصیلکرده تحقیر، اجبار، آزار و اذیت زنان و دختران را جزو حقوق مسلم خود به حساب می آورند

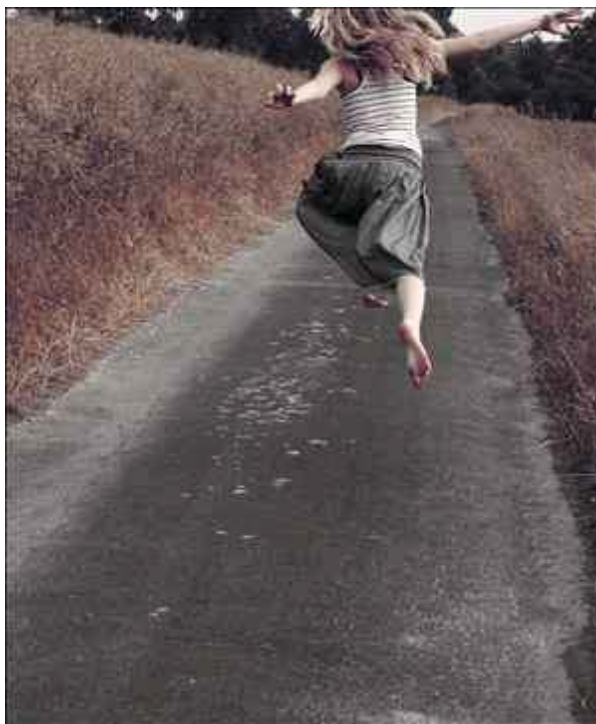


یک پله پایین تر بیاییم، آیا خانه ها برای زنان جایگاه آزادی و راحتی است؟ نمیخوامم در مورد پنجره هایی حرف بزنم که جرات نمیکنید پرده شان را کنار بزنید (شاید روبروی خانه شما کارگرانی مشغول به کار نباشند یا همسایه هایتان فقر فرهنگی نداشته باشند). میگویم زنان معمولاً در خانه هم آزاد و راحت نیستند و حرفم بر سر این موضوع هم نیست که خانمها در بسیاری موارد مجبور هستند مطابق میل همسرانشان لباس بپوشند و رفتار کنند... منظور من از ناراحتی بیشتر متوجه این مسئله است که اغلب مادران و دختران (پس از سن بلوغ) در خانه هم مجبورند با توجه به وضعیت سن و سال پسران خانواده لباس بپوشند. در برخی خانواده ها دختران پس از بلوغ نسبت به حرکات و رفتارهای خود هم گرفتار محدودیت هایی میشوند.

ج- آنقدر عقب نشینی میکنیم تا برسیم به **فضاهای مجازی**، آیا فضاهای مجازی برای دختران امن است؟ چرا اغلب دختران با هویت های ساختگی و در برخی موارد در نقش جنس مخالف وارد فضاهای مجازی میشوند؟ اینترنت برای بسیاری از زنان فضای خوش آیندی نیست: یک زن کاربر اینترنت در درجه اول با انواع خشونت های بصری در اینترنت مواجه است، تصاویر تبلیغاتی زنان نیمه برهنه، مانکن های برهنه یا تصاویر اندامهای دفرمه شده ای که در جهت تبلیغات و برای لذت بصری مذکر تدارک دیده شده اند و در بسیاری موارد بصورت ناخواسته کنار صفحه باز میشوند، تصاویری که گاهی تحت عنوان آزادی بیان از آنها دفاع هم میشود

فقط کافی است جنسیت شما در این فضای مجازی مشخص باشد آنوقت است که در انواع فضاهای گفتگو دچار مشکل خواهید شد، ایمیل های مستهجن دریافت خواهید کرد و مزاحمت از انواع دیگری را تجربه میکنید ... اگر وبلاگ نویس باشید ممکن است گاهی در بخش نظرات وبلاگتان یادداشت هایی بخوانید که پشت در دستشویی های پارک ها/دانشگاهها مینویسند... می بینید زن ها در دستشویی ها هم از این نوع خشونت ها در امان نیستند

د- اگر دقیق شویم زن بودن انگار مساوی با یک نوع معلولیت است. معلولیتی که عیناً مانند سایر معلولیت ها: نابینایی، ناشنوایی، عقب ماندگی ذهنی و... نسبت انسان (زن) با مکان را تحت تاثیر خورش قرار داده است



یک زن نه در محیط خانه و نه بیرون از آن نمیتواند آزاد و راحت و مطمئن باشد و آنگونه که دوست دارد راه برود، رفتار کند، غذا بخورد یا لباس بپوشد. همیشه باید مراقب انواع تفسیرهای مذکر احتمالی از رفتارهایش باشد و مراقب حساسیت هایی که روز به روز بیشتر میشوند و نگاههایی که روز به روز حریص تر میشوند و چشمهایی که روز به روز کنجکاوتر... بسیاری از کلمه ها، حرکت ها و رفتارهایی که برای مردان کاملاً عادی و طبیعی قلمداد میشود برای زنان قبیح و زننده است و مورد سو تعبیر واقع خواهد شد و امان از این سو تعبیرها و پیامدهای آنها. همین هاست که باعث میشود زن ها نسبت به وضعیت پوشش و قرار گرفتن تک تک اعضای بدنشان مسئول باشند / دانسته شوند و مکلف باشند که در این مورد حساسیت به خرج بدهند

ه- اگرچه شاید در ظاهر اینطور به نظر برسد ولی من واقعا فکر نمیکنم زن بودن به هیچ روی مساوی معلول بودن باشد! گاهی حتی به خودم حق می دهم که فکر کنم زن ها به اندازه مردها حق دارند از محیط های عمومی و خصوصی استفاده کنند و بیشتر از مردان مسئول نگهداری از امنیت هیچ مکانی نیستند... آن هم بخاطر مشکلاتی که آنها مسئول به وجود آمدنش نیستند

با اینحال ما هر روز به بهانه اینکه نمیخواهیم غباری به دامان پاک بانوان سرزمین ما بنشیند، با افزودن بر شدت برخورد های **مدد کارانه** و **حمایتگرانه** از زن ها موجودات علیل تری به نمایش میگذاریم/ میسازیم. شکی نیست که بخش زیادی از تشدید مزاحمت ها در خانه و خیابان معلول عملکرد و تصمیمگیریهای غلط و کوتاه بینانه برخی سیاستگذاران است اما آیا چاره آن افزودن بر محدودیت های زنان است؟ آیا چاره اینهمه جسارت و بی پروایی در ایجاد مزاحمت و بروز انواع خشونت ها (فیزیکی، بصری، کلامی و...) در زنانه/مردانه کردن محیط ها و مکان های عمومی، مستقر کردن گشت ارشاد، تحمیل بومی گزینی جنسیتی، احداث پارک بانوان، تولید خوردوهای بانوان و امثال آنها است؟ تقسیمبندی هایی که ضمن **محدود** و **معلول** کردن زنان همواره با اجحاف در حقشان همراه است ( در این تقسیم بندی ها سهم زنان از دو هشتم ( واگن های مترو) آغاز و تا صفر( استادیوم فوتبال) در نوسان است) همه این ها در حالی است که تجربه سالهای گذشته به خوبی نشان داده با احداث **اندرونی** در جای - جای مکانهای عمومی نه تنها بر معلولیت زنان که بر ناامنی محیط بیرون و حرص و بیماری مردان افزوده خواهد شد

به هیچ وجه قصد دفاع از اختلاط بی حد و مرز را ندارم و کمابیش مشکلات مختص به آن را نیز میدانم و قبول دارم، درمان فوری هم برای این درد بی درمان نمیثناسم اما تنها میخوام از چاره گران بپرسم آیا تحمیل این محدودیت ها و تقسیمبندی ها از مشکلات زنان و البته مردان ما در مقایسه با سایر زنان و البته مردان دنیا در محیطهای مختلط کاسته است یا همچنان دردی بر دردهایشان افزوده است و می افزاید و خواهد افزود؟